

مسائل زیست محیطی از زمان تشکیل کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم افکار بین‌المللی را به خود مشغول کرده است. آن کنفرانس در جوی آکنده از امیدواری و تصمیم به اقدام برگزار شد.

البته اقداماتی هم به عمل آمد: تشکیلاتی بین‌المللی نظیر یونپ (برنامه زیست محیطی سازمان ملل) به وجود آمد، وزارتخانه‌های محیط زیست تاسیس شدند و حرکت‌های سیاسی اکولوژیکی آغاز گردید. اهمیت این اقدامات را با در نظر گرفتن تعداد انتشارات، آگاهی‌های به دست آمده، طرح‌های بازسازی جنگل‌ها و زه‌کشی زمین در مناطق تازه حفاظت شده، می‌توان دریافت ولی علی‌رغم همه اینها تخریب محیط زیست ادامه یافته است. اگرچه موفقیت‌های محلی در بعضی نقاط حاصل شده، ولی وضع محیط زیست در حال حاضر بسیار بدتر از ۲۰ سال پیش است.

در کشورهای صنعتی آب به مواد شیمیایی آلوده شده است. کیفیت خاک در اثر مصرف بیش از حد آفت‌کشها و کودهای شیمیایی تنزل یافته، سواحل دریاها در اثر گسترش بی‌رویه شهرها شکل خود را از دست داده، جنگل‌ها تخریب شده و دریاچه‌ها در اثر بارش باران‌های اسیدی عمیق شده است. یا تجمع و انتقال زباله‌های مسموم سلامتی تهدید

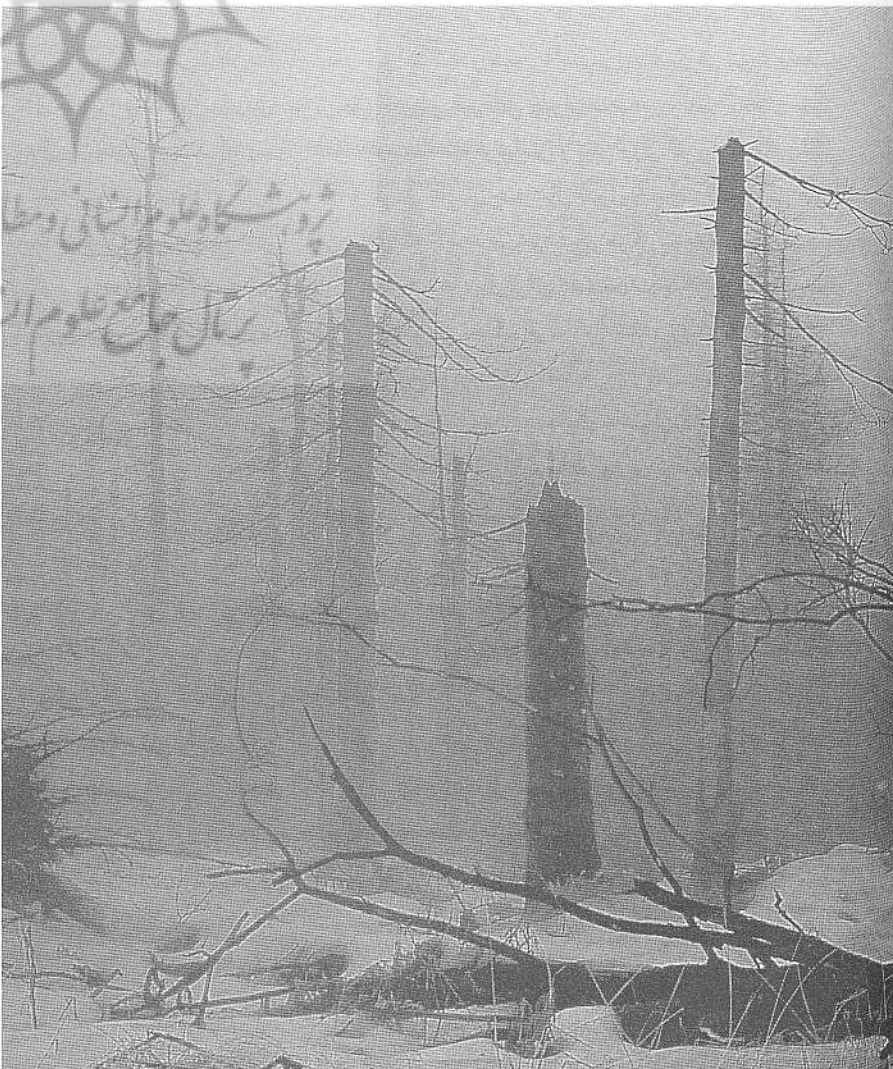


## زمان اقدام فرا رسیده است نوشته فرانچسکو دی کاستری

می‌شود؛ شهرها از ترافیک لبریز شده، آلودگی هوا خفه کننده می‌شود. کشورهای در حال توسعه نیز با مسائلی چون کویری شدن، فرسایش و شور شدن خاک، جاری شدن سیل و نابودی گونه‌های گیاهان و حیوانات، به ویژه در مناطق گرمسیری روبه‌رو شده‌اند. حلیی آبادها با ویژگی متداول خود یعنی فقر، بیماری و بزهکاری در همه جا توسعه یافته‌اند. همه این مسائل، در شمال و جنوب با عاملی مشترک به یکدیگر مربوط می‌شوند. گزینش روش‌های نامناسب توسعه باعث ایجاد آنها شده است. البته مسائل، در جنوب، به سبب فشار زیادتر اجتماعات انسانی، نسبت به شمال، آشکارتر است. ولی این مسائل در اصل منشأ جهانی دارند و وابستگی‌های اقتصادی، واکنش‌های رقابتی بازارهای بین‌المللی، اختلال نظام پولی و بدتر از همه دیون خارجی آنها را به هم مربوط ساخته است.

حدود ۳۰ سال دیگر ۱۰ تا ۱۲ بلیون ابناء بشر با مسائل زیست محیطی جدیدی در سطح جهانی رو به رو خواهد بود: دگرگونی احتمالی آب و هوا در نتیجه اثر گلخانه‌ای (که در اثر ازدیاد گازهای کمیاب به ویژه بی‌اکسید کربن و متان در جو ایجاد می‌شود)، تخلیه لایه اوزون جو فوقانی و فقر غیر قابل تجدید تنوع بیولوژیکی.

بدین طریق با موضوعاتی فوق العاده پیچیده که در بعضی





خشکسالی و کویری شدن در منطقه ساحل در آفریقا.

وزارتخانه‌ها به بخش‌هایی که عملاً در برابر واکنش‌ها نفوذناپذیر هستند، تقسیم شده‌اند و کشورها فقط با اجرای اقداماتی ناکافی برای حمایت از محیط زیست موافقت می‌کنند. در چنین شرایطی حل چند مسأله ضروری، یا بخشی از مسایل برای موفقیت موسساتی که حقیقتاً قادر به اداره و غلبه بر آنچه باید آن را به حق بحران محیط زیست نامید، ساده‌تر است.

## آیا باید فاجعه بوم‌شناختی رخ دهد تا دست به اقدام بزنیم؟

برای حل بیشتر مشکلات راه‌حل‌هایی فنی موجود است، حتی اگر این راه‌حل‌ها با مقاومت روانی و ساختاری روبه‌رو شوند و با منافع اقتصادی پر قدرت و متضادی برخورد کنند. شاید با آگاهی تدریجی افکار عمومی و مراکز اقتصادی و سیاسی از آنچه در انتظار ما است، اقدام لازم را در زمان مناسب به عمل آوریم. با وجود این احتمال می‌رود که ناچار از انتظار برای وارد آمدن شوکی بزرگتر از شوک‌هایی که تا به حال به ما وارد آمده است باشیم. باعث کمال تأسف خواهد بود چنانچه غریزه بقا در ما فقط در برابر روبه‌رو شدن با یک فاجعه بزرگ اکولوژیکی برانگیخته شود.

بیباید امیدوار باشیم که چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. فقدان بخشی از نتایج یا اطلاعات دقیق نباید بهانه‌ای برای سکوت تصمیم‌گیرندگان و هریک از ما باشد. تاخیر گران تمام خواهد شد و ممکن است وارد شدن هر نوع صدمه زیست محیطی غیر قابل جبران باشد. بریدن درختان جنگل فقط چند ساعت، فرسایش و پیش روی کویر چند ماه و تغییر آب و هوای جهان چند سال طول خواهد کشید ولی گونه موجودی که ناپدید می‌شود دیگر هرگز پدیدار نخواهد شد. ده‌ها بلکه صدها سال برای رشد مجدد جنگل، و یک‌هزار سال برای جایگزینی خاک فرسایش شده، زمان لازم است.

بیباید امیدوار باشیم که بحران زیست محیطی با تمام سنگینی و پیچیدگی در نهایت به عنوان کاتالیزگر عمل کند تا بین آزمایشگاه‌های ما ارتباط بهتری برقرار شود و ساختار اداری ما انعطاف بیشتری پیدا کند و بالاتر از همه مساوات بیشتری بین کشورهای غنی و فقیر به وجود آید و کاتالیزی باشد برای سوق دادن ما به طرف نسل‌های آینده که در برابرشان برای نگهداری زمینی که به ما سپرده شده مسؤول هستیم.

تغییر در رفتار هر فرد، موسسه و کشور تنها اصلی است که از آن آینده‌ای قابل قبول از ورای فشارهای وارد شده در اثر بحران محیط زیست می‌تواند پدید آید. بیباید امیدوار باشیم که این تغییر بتواند بدون نیاز به یک فاجعه مهم اکولوژیکی، که هیچ کسی نخواهد توانست از آن جان سالم بدر ببرد، صورت گیرد.

موارد نامطمئن و غیر قابل پیش‌بینی هستند ولی همگی شدیداً به یکدیگر وابسته‌اند و در مقیاسی جهانی به سرعت تغییر می‌کنند روبه‌رو هستیم. با وجود این موسسات آموزشی، پژوهشی و مدیریت و اداری ما برای مقابله با چنین مسایلی طراحی نشده‌اند. حتی اگر بودجه به اندازه قابل توجهی هم افزایش یابد، باز هم احتمال نمی‌رود بتوانیم آنها را به سرعت حل کنیم. کلید حل این مشکلات نظری نیست بلکه ساختاری است.

حل و فصل موثر مسایل حیاتی زیست محیطی نیاز به روشی بین رشته‌ای دارد که در حال حاضر موسسات معدودی قادر به ارائه آن هستند. هیات‌های پژوهشی و دانشگاهها گرفتار نظام‌های ارزشی منشعب شده بر طبق رشته‌های علوم هستند و شکاف بین تربیت دانشگاهی و پژوهش با نیازهای واقعی جامعه روز به روز عمیق‌تر می‌شود. در حال حاضر پژوهش‌های این زمینه به ندرت کاربردی موثر دارند، چون اکثراً یا مسأله اصلی را هدف قرار ندادند، یا در روند تصمیم‌گیری و مدیریت وارد نشده‌اند و یا با ساختار انشعابی اداری تطبیق داده نشده‌اند.

هیچ یک از علوم، حتی بوم‌شناسی، نمی‌تواند ادعا کند که می‌تواند به تنهایی تمامی انشعابات اقتصاد جهانی و مسایل زیست محیطی را درک کند. هیچ هیات پژوهشی یا خدمات اداری نمی‌تواند خود را در این زمینه خودکفا بیندارد. هیچ کشوری، حتی قوی‌ترین کشورها، نمی‌تواند ادعا کند که قادر است مشکلاتی را که علت و معلول آنها در کشورهای دیگر قرار گرفته است به تنهایی حل کند یا از عبور این مشکلات از مرزها جلوگیری نماید. با این وجود بسیاری از رشته‌های علمی وجود یکدیگر را ندیده می‌گیرند و یا در جستجوی یافته‌های پژوهشی به رقابت یا یکدیگر می‌پردازند. تخصص‌ها به اتحادیه‌گرایی سنتی خود عقب نشسته‌اند.

فرانچسکو دی کاستری هم‌اکنون کننده برنامه‌های محیط زیست یونسکو و رئیس کمیته علمی مسایل محیط زیست (Scope)، شورای بین‌المللی انجمن‌های علمی (Icsu) است. او نویسنده آثار متعددی در زمینه بوم‌شناسی است.